ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۱۰ | اذان مغرب ۲۰/۴۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۰ | اذان صبح فردا ۴/۲۰ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۲

سخن روز

رسول اکرم صلی الله علیه و آله:
براستی که خوش دارم مرد با خوشحالی و افتخار چیزی را با دست خودش برای خانواده‌اش ببرد و بدین وسیله تکبر را از خود دور کند.
مجموعه‌ورام، ج۱، ص۲۰۱

سید عباس صالحی: مادر شهیدان رضوان مدنی نماد مقاومت زنان کرمانشاه است

آنچه در مادر شهیدان رضوان مدنی می‌توان دید، نماد مقاومت است؛ شاید زندگی ایشان روایت یک فرد است اما بازگوکننده زنان استان کرمانشاه در فضای مقاومت و همراهی همسرانشان برای مقاومت است. از نخستین روزهای جنگ، یکی پس از دیگری فرزندان این خانواده در کنار آرمان مقاومت قرار می‌گیرند و پس از شهادت هریک از فرزندان، دیگر فرزند به جبهه مقاومت می‌رود و نهایتاً سه فرزند شهید و یک داماد از این خانواده در عملیات مرصاد به مقام شهادت می‌رسند و این نشان‌دهنده روحیه مقاومت در این خانواده است. ما مدیون خانواده شهدا به‌طور خاص خانواده شهیدان رضوان مدنی هستیم؛ فرزندان این خانواده، تربیت یافته پدر و مادری بودند که نقطه پرش آنها به سمت شهادت شدند. اینکه افراد، ظواهر فریبنده دنیوی را کنار بگذارند و به وظایف دینی خود عمل کنند، حاصل نظام تربیتی خانواده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تماس تصویری با خانواده شهید رضوان مدنی در کرمانشاه / ایرنا

نـــگاره
سهیل محمدی

اهمیت نوسازی اتوبوس‌های فرسوده

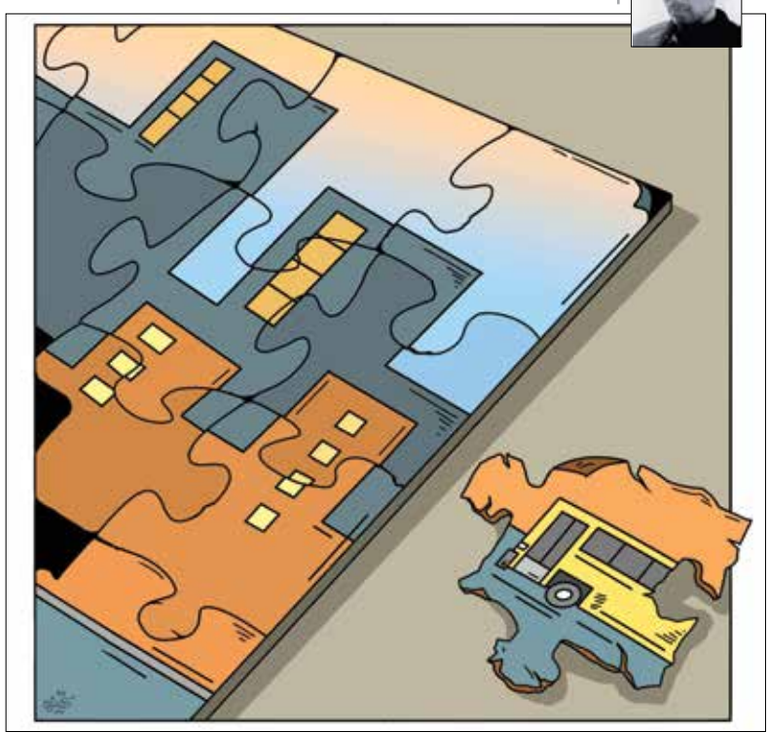

هنر کرونا و کرونای هنر

یادداشت

مرتضی کاظمی
مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

نخستین پرده از نمایش رویارویی کرونا و هنر با تراژدی تعطیلی سالن‌های سینما و تئاتر و گالری‌ها ولغو شدن کنسرت‌های موسیقی، آغاز شد و در ادامه بخش عمده‌ای از کسب و کارهای مرتبط با تولید و عرضه محصولات، خدمات و برنامه‌های هنری را به‌چالش کشید و در موقعیتی پایان گرفت که بنا بر گفته وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، تا ۲۲ فروردین ماه گذشته، خسارتی بالغ بر ۹۷۶ میلیارد تومان، به طور مستقیم بر بنیه ضعیف اقتصاد فرهنگی و هنر تحمیل کرد.

اکنون دو سؤال اساسی این است که اولاً آثار و تبعات جانبی و غیرمستقیم پرده نخستین این رویارویی چه بوده است و ثانیاً در پرده‌های بعدی انتظار مشاهده چه آثار و رویدادهایی را بر صحنه‌های هنر، می‌توان داشت؟ به تعبیر ساده‌تر آیا کرونا بلای جان هنر خواهد شد یا قاتق نان آنها؟ به زعم نگارنده نمایش رویارویی کرونا و هنر پرده‌های متنوعی داشته و خواهد داشت که در مجال این جستار به اهم آنها اشاره می‌شود.

■ **تأثیر هنر در کاهش آلام و آسیب‌های روانی ناشی از کرونا**

ارسطو معتقد است که آثار هنری، فشارهای روانی انسان ها را کاهش می‌دهند. بدین معنا که آثار هنری انسان را کاتارسیس* یا پالایش روحی می‌کنند و این پالودگی روح، تشویش و اندوه را از انسان می‌زداید. بسیاری از روانشناسان معاصر نیز معتقدند دیدن یا شنیدن آثار هنری، تعارضات درونی بین عقل و عاطفه آدمیان را به حداقل می‌رساند و سلامت روانی ایشان را ارتقا می‌دهد.

افزون بر این آثار هنری اعم از فیلم، تئاتر، موسیقی، هنرهای تجسمی، شعر و ادبیات در شرایطی که جوامع درگیر بحران های روحی و روانی فردی و جمعی هستند، باعث انسجام اجتماعی و همدردی و همدلی اقشار گوناگون می‌شوند تا بدانجا که روح و خرد جمعی را در مقابله با بحران ها بسیج می‌کنند. شاهد مثال‌های فراوانی را در این زمینه می‌توان در کلیه کشورهای درگیر با کرونا و از جمله در ایران، ذکر کرد. بهترین نمونه، همکاری‌های هنرمندان برای خلق آثار هنری در مقابله با آسیب‌های روحی و کاهش آلام ناشی از شیوع ویروس کروناست. اجرای آثار برجسته موسیقایی در دوران قرنطینه و نیز اجرای کنسرت‌های آنلاینی از آن جمله است.

■ **تحولات ناشی از کرونا در آفرینش‌های هنری**

بارزترین توانمندی و خلاقیت هنرمندان در دوران قرنطینه و پس از آن، تبدیل تهدیدهای کرونایی به فرصت‌هایی جریان ساز در هنر معاصر جهان بود. با خلق گونه‌هایی جدید در هنر، عناوینی چون هنرهای آپارتمانی، هنرهای بالکنی و هنرهای محیطی بدان‌ها اطلاق شد. در کنار دگرگونی مفهومی و محتوایی و نیز توسعه هنر رسانه‌های جدید و هنر در فضای مجازی، دستاوردهایی ارزشمند از این دوران است که به‌عنوان نقاط عطفی در تاریخ هنر بشمار رفته و ثبت خواهد شد. فراموش نباید کرد که تا قبل از کرونا قاطبه هنرمندان نه تنها شناخت کافی از ظرفیت‌های فضای مجازی نداشتند بلکه بدان اهمیتی نمی‌دادند و گاه نسبت به آن موضعی مخالف و تقابلی داشتند، اما اینک هم از این ظرفیت‌ها بهره فردی می‌برند و هم از آن برای گسترش ارتباطات بین یکدیگر و بین مخاطبان خویش استفاده می‌کنند.

■ **تحولات ناشی از کرونا در آموزش‌های هنری**

جست‌وجوی شیوه‌های جدید در آموزش هنر، فرصتی دیگر است که در تعامل هنرمندان با تهدید کرونا فراهم شد. این فرصت هم باعث ارتقای دانش هنرمندان نسبت به فناوری‌ها و نوآوری‌های هنر در مقیاس ملی و جهانی گردید و هم گسترش آموزش‌های هنری توسط استادان و هنرمندان به دانشجویان و علاقه‌مندان به هنر را در پی داشت. در اهمیت این دستاورد باید اشاره کرد که تا قبل از این، آموزش حضوری نقشی بلامنازع در هنر داشت اما امروز می‌توان به آموزش‌های مجازی و آنلاین نیز اهمیت داد.

■ **تحولات ناشی از کرونا در اقتصاد هنر**

اگر چه برای بررسی آثار مثبت یا تبعات منفی کرونا در اقتصاد هنر، زمان بیشتری باید بگذرد، اما آنچه تاکنون محرز است، این است که اقتصاد و هنر در برخی از رشته‌ها دچار آسیب و رکود شده و در برخی دیگر رونق قابل توجهی داشته است. برای مثال عرضه و نمایش آثار و اجرای رویدادهای هنری در مکان ها و فضاهای جمعی از قبیل سالن‌های سینما، تئاتر، موسیقی و گالری‌ها تعطیل شده یا با کاهش دایره مخاطبان خود مواجه گشته‌اند، اما نمایش‌های خانگی، فیلم سینمایی و سریال‌های تلویزیونی در فضای مجازی و آنلاینی رونق چشمگیری یافته است. به‌عبارت دیگر برخی از صنایع فرهنگی و خلاق که به ارتباطات جمعی متکی هستند بشدت آسیب دیده‌اند اما آن دسته از صنایعی که امکان عرضه در محیط‌های خانوادگی دارند، رونق یافته‌اند. صنعت انیمیشن از جمله این دسته است که گسترش چشمگیری داشته و رونق اقتصادی بالایی را تجربه می‌کند.

در زمینه هنرهای تجسمی فعالیت گالری‌ها آسیب جدی دیده است اما فروش در فضای مجازی، اگرچه برای آثاری با قیمت‌های پایین، رشد داشته است اما باعث شده حراج‌های آنلاین نیز با توفیق نسبی مواجه شده و به طور خلاصه می‌توان گفت گردش مالی صنایع خلاق، بویژه در عرصه‌های هنری اگر افزایش قابل توجهی نداشته اما کاهش جدی را نیز تجربه نکرده است و انتظار می‌رود با رفع محدودیت‌های دوران قرنطینه، نرخ رشد گذشته خود را نیز به مرور به دست آورد.

■ **پرده پایانی**

پشت سرگذاشتن عصر کرونا و ورود بدون مخاطرات به عصر پساکرونا، منوط به الزامات تحولات و تمهیداتی ناگزیر خواهد بود که در شئون گوناگون هنر باید رخ دهد. از جمله تغییرات در راهبردها و سیاست‌ها، تحولات در برنامه‌ریزی و مدیریت هنری، تجدیدنظر در محیط قانونی هنر، برای مثال صیانت از حقوق مالکیت معنوی هنرمندان در فضای مجازی. ارتقای نقش هنر در برنامه‌های توسعه کشور، احصا و ارتقای سهم هنر در تولید ناخالص داخلی و اقتصاد ملی و... آیا پرده پایانی را کرونا خواهد انداخت!؟

*catharsis **پاکسازی روان و تزکیه نفس به وسیله هنر**

پیشنهادهایی هنری از هنرمندان سینمایی

چهره‌های سینمایی و هنری و به قول معروف سلبریتی‌ها گاهی در صفحات مجازی‌شان در شبکه‌های اجتماعی پیشنهادهایی برای گذراندن اوقات فراغت مطرح و بعضی از محصولات فرهنگی معرفی می‌کنند که می‌توانیم از آنها استفاده کنیم. از پیشنهادهای سینمایی تا کتاب و تئاتر و موسیقی.

■ **شاندرزمستان**

افشین هاشمی بازیگر و کارگردان تئاتر و سینما در اینستاگرامش گاهی درباره فیلم‌های قدیمی سینمای ایران می‌نویسد و آنها را معرفی می‌کند. این بار او پیشنهاد کرده که فیلمی از محمد کاسبی را تماشا کنیم. پیشنهادی با هشتگ #فیلم_های_روز:

«به‌نظرم تلاش کسانی که سعی در دورریختن همه گذشته سینمای ایران داشتند - با تمام امکانات در اختیارشان هم - نتوانست خاطره خوش آثار درخشان را از ذهن کسانی که سینما را دوست داشتند، پاک کند. در پست‌های قبلی درباره ملخ زدگان نوشتم که رسماً بازتولید گاو و عزاداران بیل بود. اما «شنا در زمستان» ساخته محمد کاسبی متفاوت است. شروع و پایانش بشدت یادآور رگبار اثر بهرام بیضایی (مخصوصاً لحظه ورود معلم به کلاس و شلوغی بچه‌ها) است. بعضی شخصیت‌های مدرسه هم همین‌طور. از آنجا که در سلیقه حوزه هنری آن‌سال‌ها عشق زمینی کاملاً مذموم است، جایگزین آسمانی می‌یابد! اما جدای از تشابه ها، اتفاقاً هرجا که فیلم از خاطره درخشان «رگبار» فاصله گرفته توانسته تصاویر خوب، واقعی و کمتر دیده شده‌ای از زندگی جنوب شهر و بالاخص مدارس آن محله‌ها بدهد؛ تصاویری شبیه آنچه در بعضی آثار جلال آل احمد یا صمد بهرنگی خوانده‌ایم. گرچه امیر نادری در مرثیه (۱۳۵۴)، تصاویر درخشانی از تهران فقیر برای ما ثبت کرده و در سال ۶۹ به مُرده لگد زدن چندان افتخاری نیست، اما ثبت روابط بچه‌های فقیر و گرسنه جنوب شهر و همچنین خشکی و صلبی مدارس محروم آن محله‌ها، از ویژگی‌های «شنا در زمستان» محمد کاسبی است که باعث می‌شود حتی امروز بشود فیلم را دید.»

■ **پروانه‌ها**

فرزاد مؤتمن کارگردان سینمای ایران که با فیلم‌های خاصش شناخته می‌شود از آن کارگردان‌هایی است که فیلم‌های متفاوت سینمای جهان را می‌بیند و خیلی وقت‌ها آنها را در اینستاگرامش معرفی و پیشنهاد می‌کند. این بار از یک فیلم ترکیه‌ای نوشته است:

«پروانه‌ها KELEBEKLER/ تولگا کاراچلیک (ترکیه /۲۰۱۸)

دو برادر به‌همراه خواهرشان، که سال‌ها از هم دور و بی‌خبر بوده‌اند توسط پدرشان به روستای «حسن لر» که زادگاه و محل سکونت اوست، فرا خوانده می‌شوند. این سه در حالی سفری دور و دراز را شروع می‌کنند که هیچ شناختی از یکدیگر ندارند و چون به خانه پدری می‌رسند متوجه می‌شوند که او مرده و وصیت کرده تا پروانه‌ها به پرواز در نیامده‌اند، خاکسپاری نشود. این سه تا به پرواز درآمدن پروانه‌ها، در محیطی بسته و سنتی که هیچ فصل مشترکی با آن ندارند، مجبورند که زمان را به وقت‌کشی بگذرانند...

کم نیستند فیلم‌های جاده‌ای، که طی آن سفری باعث می‌شود شخصیت‌هایی با گذشته شان، روبه‌رو شوند و خود را از نو، بازشناسی کنند. با وجود این این فیلم سینماگر جوان استانبولی، تولگا کاراچلیک، که سه چهار فیلم در کارنامه‌اش دارد، اصلاً بوی کهنگی نمی‌دهد و نشان از آن دارد که فیلمساز، سبک و لحن ویژه‌ای بخصوص به لحاظ تصویر سازی برای خود دست و پا کرده و بر آن مسلط است. اگرچه فیلم دوپاره به نظر می‌رسد و بدنه اصلی آن حاوی پرسه زنی های سه کاراکتر، که، طناز، با حال و سرگرم‌کننده از کار درآمده، با داستان پروانه‌ها که رنگی از «رئالیسم جادویی» دارد، درست با هم جفت و جور نمی‌شوند، اما سرزندگی حاکم بر فیلم باعث می‌شود که نسبت به باقی فیلم های این فیلمساز کنجکاو بشویم.

تصور می‌کنم که سینمای ترکیه موفق شده خودش را از شر سینمایی صرفاً بومی و محلی خلاص کند و فیلم‌هایی در چارچوب ژانرها (و ضد ژانرها)ی شناخته شده و استاندارد بین‌المللی تولید کند که قابلیت برقراری ارتباط با فرهنگ‌های مختلف را دارند و هیچ بعید نیست که بزودی سینمای این منطقه قبل از هر چیز با فیلم‌هایی از این کشور شناسایی شود. سینما دوستان پیگیر، بد نیست، این سینما را با چشمان باز و به دقت دنبال کنند که به‌نظر می‌رسد آبستن حوادث چشمگیری باشد.»

■ **شماره ۱۷ سهیلا**

هانیه توسلی بازیگر سینمای ایران درباره یکی از فیلم‌های چند سال اخیر سینمای ایران نوشت و آن را پیشنهاد کرد. «شماره ۱۷ سهیلا» که محمود غفاری آن را کارگردانی کرده و محصول سال ۱۳۹۵ است. «به پیشنهاد خواهرم، «شماره ۱۷ سهیلا» را دیدم. نگاه فیلمساز به موضوع بسیار جذاب و خلاقانه است. بازی زهرا داوودنژاد درجه یک است. چقدر دیدنش چسبید! کلی کیف کردم. دیدنش را پیشنهاد می‌کنم.»

■ **پیشنهادهای روان‌شناسانه**

بهنوش طباطبایی بازیگر سینما و تلویزیون و تئاتر گاهی کتاب‌هایی را که می‌خواند معرفی می‌کند. در چند پست جدید اینستاگرامی اش دو کتاب روان شناسی و رفتارشناسی معرفی و پیشنهاد کرد، برای بهتر شدن زندگی آنها را بخوانیم:

«کتاب «هنر شناخت مردم»: مطالعه علم رفتار... اول خودتان را و بعد دیگران را درست بشناسید تا با شناخت بهتر مسیر راحتی را با هم طی کنید...» «کتاب «اعتماد به نفس در کودکان»: انسان نمی تواند معنای یک نگاه عبوس، یک خنده گرم یا یک چهره گریان را صرفاً با گوش دادن به کسی دریابد... انسان باید فرابگیرد که معنای رفتار یک کودک را با «توجه کردن» به چیزی بیش از کلمات او دریابد...»

اولین قدم در ادراک تصویر (شکل، زمینه، رنگ)

هنر و روان
بخش هفتم

آرام مرتضوی
پژوهشگر و روان‌درمانگر تحلیلی

وقت آن رسیده که به کاربرد هنرهای متفاوت در درمان به‌صورت جدی‌تر بپردازیم، گوته شاعر مشهور آلمانی توصیه می‌کند: هر روز به یک تصویر زیبا بنگرید، شعری زیبا بخوانید و در صورت امکان کلامی منطقی بگویید، چرا؟ شاید این اعمال در ابتدایی‌ترین قدم سیستم عصبی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همان طور که قبلاً هم اشاره شد معمولاً هر هنری در ذات خود با یکی از حواس ما سر و کار دارد، امروز پیرامون تصویر کمی سخن می‌گوییم و بعد به اثرگذاری رنگ‌ها می‌پردازیم. این فرآیند به شما کمک می‌کند بتوانید به‌صورت ابتدایی برای خود فضایی فراهم کنید تا بتوانید احساسات متفاوتی را هر چند سطحی تجربه کنید؛ هر تصویر در حقیقت بازتابی از نور است، این بازتاب در سیستم مغزی ما تحلیل شده و ایجاد یک ادراک از تصاویر می‌کند، حال اگر ما با استفاده از نمادهایی خاص تلاش کنیم تأثیری بخصوص در مغز ایجاد کنیم بخوبی توانسته‌ایم از تصاویر برای تغییر هیجانی استفاده کنیم؛ هر تصویر از خطوطی تشکیل شده که از به هم پیوستن نقاط پدید می‌آید، یکی از ابتدایی‌ترین تصاویری که از انسان‌های اولیه به دست آمده است مجموعه‌ای از نقاط را نشان می‌دهد این خط‌ها و نقاط نمادهایی را پدید می‌آورند که بیانگر احساسات متفاوتی هستند؛ برای اثرپذیری از یک تصویر ما نیازمند توجه هستیم، توجه ما تعیین می‌کند که چه اثری را بپذیریم اساساً آنچه مشخص است سیستم روانشناختی ما با توجه معانی را پیدا می‌کند. وقتی به تماشای یک اثر می‌نشینید، این تصویر شامل یک زمینه و یک شکل است هرچه شکل و زمینه از هم قابل تشخیص‌تر باشند تصویر برای بیننده بیشتر دارای بعد می‌شود. رنگ‌ها در ایجاد احساس نقش اساسی ایفا می‌کنند؛ هر رنگ حاوی پیام‌هایی برای سیستم عصبی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که وقتی فرد رنگ‌های خاصی را می‌بیند جریان خون‌رسانی به بخش‌های مختلف مغز تغییر می‌کند. محل اولیه پردازش همه تصاویر در مغز جایگاهی مشخص دارد اما پس از آن رنگ‌ها قسمت‌های مختلفی از مغز را تحریک می‌کنند، شاید علت اینکه بعضی رنگ‌ها بعضی احساسات را پدید می‌آورند همین باشد. یکی از کاربردهای درمانی رنگ‌ها برای بیماران آلزایمری استفاده از نخ‌های رنگی است که باعث تحریک بافت‌هایی می‌شود که در حال از بین رفتن هستند؛ برای استفاده کاربردی از رنگ‌ها معمولاً رنگ‌ها را به سرد و گرم تقسیم می‌کنند؛ در پژوهشی به آزمودنی‌ها کارت‌های رنگی نشان داده می‌شد و از آنها خواسته می‌شد تا احساسات خود را بیان کنند و همزمان از آنها آزمایش خون به عمل می‌آوردند تا میزان ترشح هورمون‌های مؤثر در خون افراد را ارزیابی کنند. این دست آزمون‌ها پایه و اساس نوعی نگرش قرار گرفت که به روانشناسی رنگ‌ها معروف شد. به‌صورت عام دیدن تصاویر با رنگ های خاص در افراد، احساساتی خاص را پدید می‌آورد؛ برای درک بهتر این موضوع آزمایشی انجام دهید. منظره‌ای را انتخاب کنید و به آن نگاه کنید سپس به عکس یک منظره از دفع زباله‌ها در طبیعت نگاه کنید و بعد تصویری را مشاهده کنید که پرنده‌ای در آسمان در حال پرواز است، در تمام طول این مسیر سعی کنید احساسات خود را ثبت کنید.

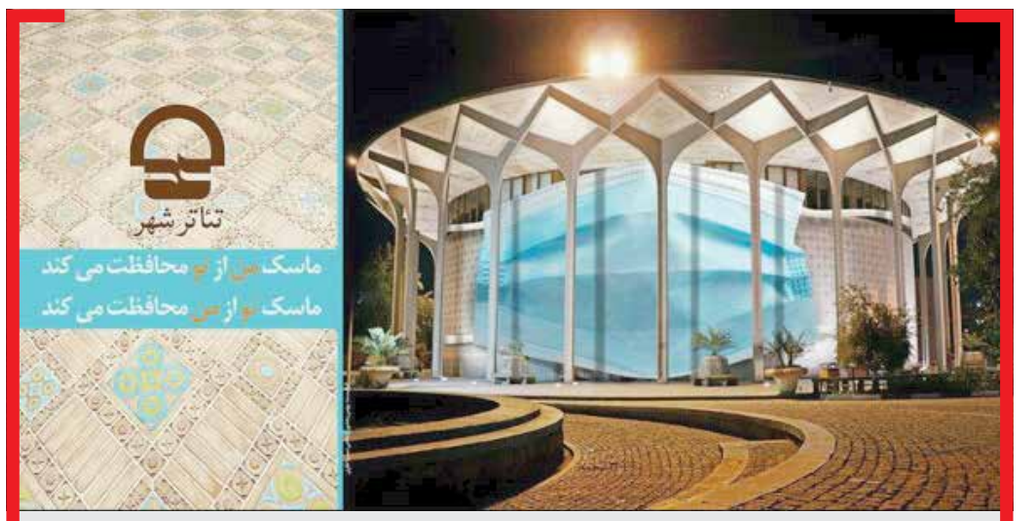

عکس نوشت

برای تشویق مردم به استفاده از ماسک ساختمان تئاتر شهر هم به پویش ملی «من ماسک می‌زنم» پیوست و تصاویر گرافیکی با همین موضوع طراحی و در تابلو اصلی این مجموعه نصب شد.
در این تصویر گرافیکی روی نشان گرافیکی و ساختمان مجموعه تئاتر شهر ماسک قرار داده شده است. بهمن وخشور طراحی این تصویر را انجام داده که با عکاسی سمیرا نظری اجرا شده است.

به نام تاریخ

■ **۲۶ تیر**

۱۱۹ روز از سال ۹۹ گذشته است و در این روز از چهره‌های فرهنگی و ادبی یاد می‌کنیم که امروز متولد شده یا درگذشته‌اند.

■ **تولدها**

جمال امید: تاریخ نگار سینمای ایران و نویسنده بسیاری از فیلمنامه‌های مشهور امروز ۷۴ ساله می‌شود. جمال امید کارش را از روزنامه نگاری آغاز کرد. از نشریه‌ای به‌نام «خوشه» که احمد شاملو سردبیرش بود. مدتی بعد توانست سردبیر نشریه‌های سینمایی مانند «ستاره سینما» و «سینما» شود. علاقه به سینما و قواعد آن جمال امید را به سمت فیلمنامه‌نویسی کشاند و فیلمنامه «جنجال بزرگ»، «مردی که زیاد می‌دانست»، «جست و جو در شهر»، «کشتی نوح» و «گردباد زندگی» را نوشت. طرح اولیه فیلمنامه‌هایی مانند «دو نفر و نصفی»، «ساوالان»، «جایی برای زندگی» و «من مادر هستم» هم از اوست. اما غیر از اینها جمال امید با کتاب‌هایی که درباره سینما نوشته به‌عنوان اولین تاریخ نگار سینمای ایران شناخته می‌شود. مجموعه کتاب‌های «سینمای ایران» که دهه‌های مختلف هنر هفتم در ایران را مرور می‌کند و کتاب‌های دیگری مانند «فرهنگ فیلم‌های ایرانی»، «عبدالحسین سپنتا»، «جغرافیای سینمای ایران»، «هزار فیلم، هزار نکته» و «فرهنگ سینماگران زن از آغاز».

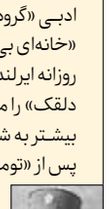

مانی رهنما: خواننده موسیقی پاپ ایران سال ۱۳۵۰ در چنین روزی به دنیا آمد. خواننده‌ای که به‌عنوان یکی از شاگردان بابک بیات شناخته می‌شود. مانی رهنما از کودکی به موسیقی علاقه داشت و با ساز پیانو کارش را آغاز کرد. سال ۷۱ شاگرد بابک بیات شد و از او اصول خوانندگی را یاد گرفت و ۵ سال بعد ترانه فیلم «مرسدس» را اجرا کرد که مورد توجه قرار گرفت. پس از آن و با اجرای ترانه‌هایی مانند «پرنده» و «فصل پرواز» بیشتر شناخته شد و سال ۷۷ جایزه بهترین خواننده را از اولین جشنواره موسیقی پاپ گرفت. رهنما آلبوم‌هایی مانند «من و تو»، «با خودم می‌رقصم»، «آخرین غزل» و «اعتراض» را منتشر کرده است.

◄ سالروز تولد **صدف درخشان** شاعر، **ایرج مثال آذر** داستان نویس، **سندی مؤمنی** داستان نویس، **فریدخت زاهدی** مترجم و استاد دانشگاه، **حسین مهکام** نمایشنامه نویس و کارگردان تئاتر، **جیمز کاگنی** بازیگر امریکایی، **میرزا بابایف** بازیگر و خواننده آذربایجانی و **رینالدو آرناس** نمایشنامه نویس و شاعر کوبایی هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

هاینریش بل: نویسنده کتاب مشهور «عقاید یک دلقک» سال ۱۹۸۵ در چنین روزی درگذشت. هاینریش بل سال ۱۹۱۷ در آلمان به دنیا آمده بود. در جنگ جهانی دوم به سربازی رفت و ابتدا موافق هیتلر و طرفدار نازی‌ها بود اما پس از زخمی شدن در جنگ دیدگاهش تغییر کرد. بالاخره از پادگان فرار کرد و خودش را به غرب رساند اما توسط امریکایی‌ها دستگیر و زندانی شد. سال ۱۹۴۷ اولین داستان‌های خود را منتشر کرد و داستان «قطار بموقع رسید» او را مشهور کرد. داستان «گوسفند سیاه» هم برایش جایزه ادبی «گروه ۴۷» را همراه داشت و پس از آن داستان‌هایی مانند «خانه‌ای بی‌سرپرست»، «نان سال‌های جوانی»، «یادداشت‌های روزانه ایرلند»، «بیلیارد در ساعت ۹ و نیم» و بالاخره «عقاید یک دلقک» را منتشر کرد که این کتاب در سال ۱۹۶۳ هاینریش بل را بیشتر به شهرت رساند. او سال ۱۹۷۲ به‌عنوان دومین آلمانی و پس از «توماس مان» جایزه ادبی نوبل را برنده شد.

عمادالکتاب: میرزا محمدحسین سیفی قزوینی مشهور به عمادالکتاب که از استادان بنام خوشنویسی ایران بود سال ۱۳۱۵ درگذشت. او سال ۱۲۴۰ به دنیا آمد و ابتدا از میرزا محمدعلی خوشنویس خط را یاد گرفت. بعدها به کربلا و نجف رفت و سال‌ها در این شهرها با نوشتن خط روزگار می‌گذراند و البته علوم دینی می‌خواند. بعدها به ایران بازگشت و در سال ۱۲۷۱ در خیابان ناصرخسرو یک آموزشگاه خوشنویسی به نام «دارالکتابه» تأسیس کرد. لقب عمادالکتاب وقتی به او داده شد که نسخه‌ای از شاهنامه را برای مظفرالدین شاه خوشنویسی کرد. او از مقلدان سبک خوشنویسی میرزا محمدرضا کلهر بود و حتی او را کامل کننده شیوه کلهر می‌دانند.

■ **۲۷ تیر**

امروز صد و بیستمین روز از سال ۹۹ است. در این روزهای خبرهای تلخ با خواندن درباره هنرمندان و چهره‌های ادبی و فرهنگی کمی به ذهن‌مان استراحت بدهیم.

■ **تولدها**

نصرالله پورجوادی: فیلسوف و نویسنده ایرانی سال ۱۳۲۲ در چنین روزی به دنیا آمد. نصرالله پورجوادی کارشناسی فلسفه از دانشگاه کالیفرنیا در امریکا گرفت و پس از بازگشت به ایران در دانشگاه تهران ارشد و دکترای همین رشته را خواند. تأسیس مرکز نشر دانشگاهی یکی از مهم‌ترین کارهای اوست و وقتی سال ۸۲ از ریاست این مرکز برکنار شد بسیاری از مطبوعات و چهره‌های فرهنگی به این مسأله اعتراض کردند. او یکی از اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی است و همچنان داستان و مقاله می‌نویسد و «داستان مرغان»، «مکاتبات احمد غزالی با عین القضات همدانی»، «شعر و شرع» و «رؤیت ماه در آسمان» از آثار اوست.

کینو: کاریکاتوریست آرژانتینی که با خلق شخصیت «مافالدا» شناخته می‌شود سال ۱۹۳۲ در چنین روزی به دنیا آمد. کینو با کمیک استریپ‌هایی که از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۳ در روزنامه‌های آرژانتین منتشر می‌کرد به شهرت رسید و محبوبیت زیادی در امریکای لاتین به‌دست آورد. شخصیت «مافالدا» را هم در همان روزها خلق کرد. دختر خردسالی که نگران بشریت و صلح جهانی است و به وضعیت بد جهان اعتراض دارد. او سال ۱۹۷۶ به‌دلیل خلق همین شخصیت به‌عنوان سخنگوی پیمان نامه حقوق کودک از سوی یونیسف انتخاب و سال ۱۹۸۲ به‌عنوان کاریکاتوریست سال معرفی شد.

◄ سالروز تولد **شبنم آذر** شاعر، **عنایت پاک نیا** داستان نویس، **سعدی گلبیانی** شاعر، **محمدرضا درند** کارگردان، **ادوارد باند** نمایشنامه نویس و نویسنده بریتانیایی هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

حسینعلی ملاح: یکی از بزرگان موسیقی سنتی ایران سال ۱۳۷۱ در چنین روزی درگذشت. حسینعلی ملاح سال ۱۳۰۰ به دنیا آمد و از کودکی به موسیقی علاقه زیادی داشت و در ۱۴ سالگی پدرش برای او ویولنی تهیه کرد تا بنوازد. او از شاگردان ابوالحسن صبا، حسین یاحقی و کلنل وزیری بود و در مدرسه عالی موسیقی هم ثبت‌نام کرد تا به‌عنوان مستمع آزاد در کلاس‌ها شرکت کند. از همین مدرسه و با آموختن تار، سه تار و ویولن دیپلم موسیقی گرفت. او در زمینه موسیقی کتاب‌های آموزشی مختلفی نوشته که مرجع بسیاری از هنرمندان بوده است. کتاب‌هایی مانند «تاریخ موسیقی ایران»، «حافظ و موسیقی»، «رساله موسیقی بهجت الروح» و «رساله موسیقی جامی». ملاح به نقاشی هم بسیار علاقه داشت و این هنر را هم به‌صورت جدی پیگیری می‌کرد و نقاشی‌هایی از کمال الملک و کلنل وزیری کشید که بسیار مورد توجه قرار گرفتند.

◄ **رضا سقایی** خواننده موسیقی لری هم در چنین روزی درگذشت.